

رای مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

مضحکه "انتخابات" را به شکست دیگری برای رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

اعلامیه تشکیلات خارج حزب حکمتیست

۱۸ ژوئن - ۲۸ خرداد

علیه بساط انتخابات رژیم متحدانه بمیدان بیائیم!

نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست برگزار شد

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست به طبقه کارگر ایران

شیشه عمر حکومت در دست شماست!

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست به رفیق مصطفی قادری

منصور حکمت و مسئله کرد

(سمینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در قبال مسئله کرد - بخش اول)

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

دیدگاه منصور حکمت درباره

حزب و قدرت سیاسی، حزب و جامعه، حزب تمام عیار سیاسی

(به مناسبت روز حکمت - ۲۰۲۰/۱۳۹۹)

صفحه ۸

فاتح شیخ

مضحکه انتخابات

سیوان کریمی

خطر ارتجاع سلفی گری در کردستان را دست کم نگیریم

همایون گدازگر

عوامفریبی و توهمات رئیسی

سیاوش دانشور

رئسی قهرمان خلع ید نیست

جاوید حکیمی

۵۹۸

مضحک نیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۱۴ خرداد ۱۴۰۰ - ۴ ژوئن ۲۰۲۱

علیه مضحکه انتخابات

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را فرامیخواند که نمایش "انتخابات" ریاست جمهوری و میاندوره ای مجلس و شورای های شهر و روستا را به اعتراضی گسترده و میلیتانت علیه بنیادهای حکومت اسلامی بدل کنیم. انتخابات بازی تقسیم قدرت و کسب مشروعیت فرمال حکومتی ها و طبقه سرمایه دار است. ما این بازی را برهم میزنیم و سنگرهای خود را محکم می کنیم. همه جا پوسترها و بیلборدهای انتخاباتی را پاره کنید و آتش بزنید. هر تجمع و عوامفریبی کاندیداها را به صحنه اعتراض علیه حکومت تبدیل کنید. در شهر و روستا به افراد سودجو و فرصت طلبی که برای نشستن دور سفره خون برای عضویت در شورای اسلامی ثبت نام کرده اند هشدار دهید. هر جا که میتوانیم گوشمالی شان دهیم و اعلام کنیم اقدام آنها همکاری با جمهوری اسلامی است و باید پاسخگو باشند. هر کسی که برای حکومت تبلیغ میکند را از میان خود طرد کنید. اجازه ندهیم کارنوال انتخاباتی راه بیاندازند، تریبون بگیرند و چرند بگویند. هر تحرک "انتخاباتی" را به تعرضی قاطع تبدیل کنیم. در فضای انتخابات به اعتراض و اعتصاب کارگری دامن زنیم و بر تهیه لوازم زندگی و معیشت مکفی، برای دسترسی به دارو و درمان و بهداشت، بر حق واکسیناسیون فوری و رایگان همگانی تاکید کنیم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

رای مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

مضحکه "انتخابات" را به شکست دیگری برای رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

کسب مشروعیت فرمال حکومتی ها و طبقه سرمایه دار است. ما این بازی را برهم میزنیم و سنگرهای خود را محکم می کنیم. همه جا پوسترها و بیلبردهای انتخاباتی را پاره کنید و آتش بزنید. هر تجمع و عوامفریبی کاندیداها را به صحنه اعتراض علیه حکومت تبدیل کنید. در شهر و روستا به افراد سوذجو و فرصت طلبی که برای نشستن دور سفره خون برای عضویت در شورای اسلامی ثبت نام کرده اند هشدار دهید. هر جا که میتوانیم گوشمالی شان دهیم و اعلام کنیم اقدام آنها همکاری با جمهوری اسلامی است و باید پاسخگو باشند. هر کسی که برای حکومت تبلیغ میکند را از میان خود طرد کنید. اجازه ندهیم کارنوال انتخاباتی راه بیانازند، تریبون بگیرند و چرند بگویند. هر تحرک "انتخاباتی" را به تعرضی قاطع تبدیل کنیم. در فضای انتخابات به اعتراض و اعتصاب کارگری دامن زنیم و بر تهیه لوازم زندگی و معیشت مکفی، برای دسترسی به دارو و درمان و بهداشت، بر حق واکسیناسیون فوری و رایگان همگانی تاکید کنیم.

همه جا اعلام کنید که آزادی هیچوقت از صندوق رای درنیامده است، این دروغ بزرگ را برسر گویندگانش بکوبید. انتخابات تنها زمانی واقعی و برابری آزاد است که اختناق و استبداد، حکومت جنایت و فلاکت برانداخته شود. انتخاب کارگران و مردم آزادیخواه ایران روشن و معرفی است؛ نابود باد جمهوری اسلامی! نابود باد حکومت فقر و فلاکت و بیکاری و بیماری! زنده باد آزادی و برابری و رفاه! مردم ایران خواهان محاکمه کلیه سران و عاملین چهار دهه هولاکاست اسلامی در دادگاههای علنی و منتخب مردم هستند. نمایش انتخابات را به شکستی همه جانبه برای رژیم اسلامی بدل کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۲۰ مه ۲۰۲۱

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی
کمونیست

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

جامعه ایران روندهائی برگشت ناپذیر را از سر گذرانده و سنگرهای را فتح کرده است. خیزشهای انقلابی برای سرنگونی حکومت مجالی برای عنتربازی مشتی جنایتکار حرفه ای، تروریست و قاچاقچی بین المللی مواد مخدر باقی نمی گذارد. هیچ ترنند و تحریک ذائقه سیاسی جامعه نمی تواند بن بست کنونی را برای حکومت بشکند. برعکس، هر عقب نشینی صوری و تاکتیکی، هر اخذ سر و دم بریده شعارهای به عاریت گرفته از مبارزات کارگران و مردم، تنها در تنور آتش فروزان تعرض جامعه و کارگران می دمد. صورت مسئله رژیم اسلامی اینست که از مهندسی انتخابات حکومتی یکدست تر برای مقابله با اعتراض سرنگونی طلبانه بیرون بیاورد. صورت مسئله کارگران اینست که حکومت شکست خورده را گام جدی تری به عقب برانند و برای زدن ضربه نهائی آماده شوند. صورت مسئله ما و طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی اینست که آگاهانه شکست حکومت در این نمایش را همه جانبه تر و کمر شکن کنیم.

فراخون ما اینست که در مناسبت و فضای نمایش انتخابات حکومت جنایتکاران، فعالانه دخالت کنیم. صریح هر جا و همه جا بگوئیم شرکت در این نمایش با هر توجیهی نادرست، ضد منافع مردم و در خدمت بقای حکومت اسلامی است. تائید گلوله هائی است که بر سر و تن عزیزان ما در آبانماه شلیک شد، تائید شکنجه و اعدام و سرکوب، تائید فقر و فلاکت و استبداد و آپارتاید است. در دیماه گفتیم: "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا!!" در آبانماه آمدیم که ماجرا را تمام کنیم. کسی که انتظار دارد مردم در "انتخابات" شرکت کنند، اگر همدست رژیم خامنه ایها نباشد، بدون تردید با آنها منفعت مشترکی دارد. کسی که می رود "رای" میدهد، خواسته یا ناخواسته، حکومت قاتلین فرزندان مردم را تائید می کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را فرامیخواند که نمایش "انتخابات" ریاست جمهوری و میاندوره ای مجلس و شورای های شهر و روستا را به اعتراضی گسترده و میلیتانت علیه بنیادهای حکومت اسلامی بدل کنیم. انتخابات بازی تقسیم قدرت و

کارگران در اعتراضات به مجمع

عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی کارگری را

گسترش دهید!

نشست دفتر سیاسی

حزب کمونیست برگزار شد

روزهای ۲۹ و ۳۰ مه ۲۰۲۱ برابر با ۸ و ۹ خرداد ۱۴۰۰ جلسه دو ماهه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - کمونیست با حضور اعضای دفتر سیاسی، حسین مرادیگی (حمه سور) و جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی حزب برگزار شد.

دستور جلسه دفتر سیاسی عبارت بود از: ۱- گزارش و ارزیابی از فعالیت دو ماهه حزب ۲- اوضاع سیاسی و انتخابات رژیم ۳- نگاهی به موقعیت جدید جنبش کارگری و مسائل تاکتیکی پیش رو ۴- کردستان و مسئله سلفی ها ۵- حزب و عرصه های فعالیت اجتماعی ۶- در مورد سند اوضاع جهانی ۷- قرارها و قطعنامه ها ۸- انتخابات بود.

در بحث گزارش سیاوش دانشور به رؤس سیاستها و اقدامات حزب در همراهی و تقویت مبارزات کارگری و مسائل جنبش طبقه کارگر، موانع و مسائلی که مطرحند، ارزیابی و سیاست ما در برخورد به پیروزی کارگران هفت تپه، روز جهانی کارگر، تقابل با سلفی ها در کردستان، امور تشکیلاتی مانند برنامه های آموزشی و فعالیت دوره دیگری از مدرسه حکمت، برگزاری کنفرانس تشکیلات خارج، امور مالی، تبلیغات حزب از نشریات تا تلویزیون و سوشیال میدیا، همکاری با جریانات چپ و کمونیست از نکات گزارش بودند اشاره کرد. رفقا رحمان حسین زاده، صالح سرداری، پروین کابلی و سیوان کریمی مسئولین کمیته های سازمانده و کردستان و خارج و تلویزیون حزب، گزارشات تکمیلی از فعالیتهای حزب را به جلسه ارائه دادند. جلسه دفتر سیاسی در ارزیابی از اقدامات و سیاستهای دنبال شده و دخالت در قلمروهای مختلف، ارزیابی مثبتی داشت و بر تداوم پیگیری آن تاکید کرد. جلسه دفتر سیاسی با توجه به تغییر اوضاع کرونائی و چشم انداز درجه ای نرمال شدن اوضاع، بر آمادگی بیشتر رهبری حزب و کادرها، بر تند کردن ساعت فعالیت حزب و بر تمرکز روی حوزه های مشخصی برای پاسخگویی به مسائل پیش رو تاکید کرد.

بحث اوضاع سیاسی و انتخابات جمهوری اسلامی را رفقا صالح سرداری و سعید یگانه به جلسه ارائه دادند. در این بحث ضمن بررسی سیاستهای جمهوری اسلامی و اوضاع جامعه، انتخابات و سرنوشت از پیش تعیین شده آنرا امری مهم برای رژیم و امری بیهوده برای جامعه بررسی کرد. تاکید بر دخالت فعال و مقابله میلیتانت با تبلیغات و عوامفریبی های انتخاباتی تا روز انتخابات و عدم شرکت قاطع یک رکن مهم این بحث بود. این بحثی برای همفکری و رصد اوضاع بود و پیشنهادهای عملی در چهارچوب سیاست حزب طرح شد.

مبحث نگاهی به موقعیت جدید جنبش کارگری و مسائل تاکتیکی پیش رو را رفقا رحمان حسین زاده و سیاوش دانشور به جلسه معرفی کردند. در این بحث یک جمع بندی از مبارزات کارگری در این دوره از جمله از اول مه تا پیروزی هفت تپه، مسائل و مشکلات پیش رو، دور جدید اعتراضات کارگران نفت و گاز، خواستها و سیاستهایی که سراسری تر میشوند، تاکتیکیهای کارساز در پیشروی مبارزات کارگری در وجوه مختلف، از جمله نکات مورد بحث بود. جلسه دفتر سیاسی برآمد و حضور قدرتمند بخشهای مختلف طبقه کارگر را علیرغم تمام محدودیتهای و مشکلات، مهمترین فاکتور در سیاست ایران دانست و دنبال کردن سیاستی مسئولانه، متحد کننده، کارساز و پیشبرنده را وظیفه مرکزی حزب دانست.

مبحث کردستان و مسئله سلفی ها را رفقا سیوان کریمی و صالح سرداری به جلسه معرفی کردند. نکات محوری این بحث هماهنگی حرکت سلفی ها با جمهوری اسلامی، تاکید جلسه بر نقش موثر حزب و مشخصا کمیته کردستان، نوع اقداماتی که باید صورت گیرد، بسیج جامعه علیه سلفی داعشی ها، و کار پیگیری روی این موضوع بعنوان یکی از اولویت های کمیته کردستان حزب بود.

بحث حزب و عرصه های فعالیت اجتماعی را رفقا ملکه عزتی و پروین کابلی به جلسه معرفی کردند. این بحث بر دخالت با برنامه و بیشتر حزب در قلمروهای اجتماعی مانند مسئله زن و دخالت در مبارزات ضد تبعیض و مباحثی بود که در این قلمروها جاری است. جلسه دفتر سیاسی ضمن تاکید بر جهت و مضمون بحث برسر قلمروها، روش کار و رفع موانع در این زمینه ها نکاتی را مطرح کرد.

سند اوضاع جهانی را رفقا رحمان حسین زاده و حسین مرادیگی (حمه سور) قبلتر در اختیار دفتر سیاسی قرار داده بودند و نکات و ملاحظات رفقا را شنیده و دریافت کرده بودند. نظر به برخی نکات که هنوز برسر آن توافق مطلوبی وجود نداشت، رفقای ارائه کننده سند پیشنهاد کردند تصویب به بعد از بحث و تبادل نظر بیشتر موکول شود.

در بخش قرارها جلسه انتشار دو پیام از جانب نشست دفتر سیاسی را تصویب کرد. اول، پیام به طبقه کارگر و دوم پیام به رفیق مصطفی قادری که در بیمارستان بستری است.

در مبحث انتخابات سیاوش دانشور باتفاق آرا به ریاست دفتر سیاسی انتخاب شد. همبطور جلسه دفتر سیاسی رفقا پروین کابلی، رحمان حسین زاده، سعید یگانه، صالح سرداری و عبدالله دارابی را بعنوان اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی انتخاب کرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - کمونیست

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - ۳ ژوئن ۲۰۲۱

مرگ بر جمهوری اسلامی!

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست به طبقه کارگر ایران

شیشه عمر حکومت در دست شماست،

جامعه به جنبش بالنده کارگری چشم دوخته است!

رفقای کارگر، رهبران عملی مبارزات کارگری!

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به مبارزات شکوهمند و حق طلبانه و امیدبخش شما درود میفرستد. حضور اجتماعی و قدرتمند طبقه ما در صحنه سیاست مایه مباحثات و امید هر انسان شریف و آزادیخواه است. سال گذشته در منگنه فقر و گرانی و محدودیت های تحمیلی کرونا، حدود دو هزار اعتصاب و اعتراض داشتیم که اعتصاب طولانی و مبارزات ثابت قدم کارگران هفت تپه، اعتصاب و اعتراضات ملیتانت در هیکو و آذربایجان، اجتماعات و اعتصابات گسترده کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها، اعتراضات کارگران معادن کرمان، اعتراضات مستمر بازنشستگان، اجتماعات معلمان، اعتراضات پرستاران که برآستی مایه افتخار طبقه ما هستند و اجتماعات کارگران شهرداری در شهرهای مختلف، تنها گوشه ای از دریای اعتراض طبقه کارگر به وضع موجود است.

این یک جنبش عظیم طبقاتی است که مستقل از اینکه برای کدام خواست فوری و بلافصل بمیدان آمده است؛ علیه فقر و فلاکت، بیکاری و بیماری و ناامنی شغلی اعتراض دارد. علیه سیاست تشدید فقر و بردگی شرکتهای پیمانی و سرمایه داران در بخش خصوصی و دولتی و مالی و بانکی، به مشقاتی که نظام سرمایه داری برای کارگران ایجاد کرده است، اعتراض دارد و برای تغییر این اوضاع مبارزه می کند.

مهمترین پیشروی جنبش طبقه ما اینست که بعنوان زنده ترین، بالنده ترین و پر سر و صداترین جنبش اجتماعی و طبقاتی در صحنه سیاست ایران حضور داریم. امروز بورژوازی از حکومتی و اپوزیسیونی تا رسانه ها و دولتهای غربی، بر حضور یک حرکت اجتماعی گسترده در ایران که علیه تبعیض و نابرابری است، نه فقط صحنه میگذارند بلکه جبهه برای متوقف کردن و به شکست کشاندن آن تلاش می کنند. امروز جنبشهای رفع تبعیض و حرکتهای آزادیخواهانه و پیشرو، اساساً از سیاستها و افق رهائیبخش سوسیالیستی کارگران تأثیر می پذیرند. کارگران هفت تپه از جمله نقشی تعیین کننده در جلو راندن سیاست کارگری و بسط قلمروهای کشمکش طبقاتی داشته اند. اینروزها اعتراضات و اجتماعات کارگری در نفت و گاز، کارگران برق و صنایع مختلف کشور، با خواستهای محوری افزایش دستمزدها، نفی قراردادهای موقت و پیمانی و شرکتی، نفی خصوصی سازی و نفی واگذاری اموال کارگران به بازار بورس، به صدای قدرتمندی میان بخشهای مختلف طبقه کارگر بدل شده است. امروز کارگران همه جا خواهان تامین لوازم زندگی و معیشت مکفی، تامین سلامت و درمان، واکسیناسیون همگانی و رایگان هستند.

وضعیت ویژه امروز در هفت تپه بعد از خلع ید، یعنی نپرداختن دستمزدها در سال نو و بستن آب به روی مزارع هفت تپه مهم است و فردا هر جا میتواند تکرار شود. این سیاست انتقامجویانه بورژوازی ورشکسته از ضربه ای است که از کارگران هفت تپه خورده اند. این یک نمونه تیپیک پاسخ بورژوازی به جامعه ای است که کنترل آن بدرجه ای از دستش خارج شود. کارگران هفت تپه ناچارند مبارزه را با همان درایت و شایستگی و اتحاد ستودنی ادامه دهند و موانع و توطئه های مسیر راهشان را یک به یک درهم شکنند. در عین حال، نحوه اعمال نظارت کارگران در هفت تپه و هر صنعت دیگر بر سیاست و عمل کارفرمایان و دولت، موضوع کشمکش زنده آتی است و دامنه آن را میزان اتحاد و تداوم مبارزات ما تعیین می کند. برای کارگران هفت تپه حیاتی است که ایندوره انتقالی را مدبرانه و هشیارانه مدیریت و رهبری کنند.

رفقای کارگر! کارگران کمونیست!

اعتراضات امروز ما در جبهه های واقعی بر اساس واقعیت وجودی جنبش ما و درجه آمادگی و اتحاد و سازمانیافتگی مان در هر رشته پیش میرود. اما همین تحرک و جنبش واقعی خود عنصر تغییر تناسب قوا و ایجاد شرایط مساعدتر است. ما هر جا براساس توان واقعی حرکت می کنیم و برای ارتقای آن میکوشیم. جنبش طبقه ما فاکتور بسیار مهم و تعیین کننده ای در شکل دادن به سیاست در ایران است اما فاکتورهای دیگر نیز بر شرایط مبارزه ما تأثیر میگذارند. بحران جمهوری اسلامی و ناتوانی اش در پاسخ به نیازهای بیبیهی کارگران و مردم زحمتکش، شرایط انفجاری و نارضایتی عمیق در جامعه و میان کارگران که ادامه خیزشهای توده ای طبقه ما در دیماه نود و شش و آبان نود و هفت است، وضعیتی را ایجاد کرده است که امکان تلاقی تند و حاد شدن بحران سیاسی را بسیار بالا برده است.

کارگران میتوانند و باید هر جا و در صنایع مهم ایران ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرند. نباید اجازه دهیم که بورژوازی یکبار دیگر ابتکار اوضاع را بدست بگیرد و به مسیر مورد نظر خود هدایت کند. با اتکا به شبکه محافل کارگری و سنت مبارزاتی شورائی و عمل مستقیم کارگری، با اتکا به تحزب کمونیستی، رهبری مبارزات کارگری و توده ای را در دست گیریم و در نبرد سرنوشت ساز جاری نقش مان را ایفا کنیم. جامعه هم اکنون به طبقه کارگر چشم دوخته است، همه میدانند که شیشه عمر این حکومت در دست شماست. این اوضاع نیازمند سازماندهی و رهبری موثر است. سازمانهای شورائی طبقه کارگر، تحزب کمونیستی، پرچم و راه حل سوسیالیستی طبقه کارگر برای آزادی جامعه، تنها راه نجات جامعه ایران و تنها تضمین پیشروی و پیروزی برای طبقه ما در کشمکش جاری است.

در این نبرد دورانساز، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در کنار شماست و برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی تلاش می کند.



انقلابی زحمتکشان کردستان در دفاع و بسط دستاوردهای دموکراتیک انقلاب در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم کنونی. این را زمانی مطرح میکنند که هنوز هیچ ارتباطی با کومه له به وجود نیامده بود.

اما مقطع مهم و تعیین کننده، که نقش تحول بخش و تغییر دهنده منصور حکمت در برخورد با مسئله کرد و جنبش سیاسی

و توده ای در جامعه کردستان خودش را نشان میدهد برمیگردد به دوره بعد از برگزاری کنگره دوم کومه له. کومه له در فروردین ۱۳۶۰ کنگره دوم خودش برگزار کرد. برای کسانی که به موضوع آشنا هستند، آن کنگره به کنگره مارکسیسم انقلابی در تجربه کومه له و کمونیسیم در ایران مشهور است و اتفاق بسیار مهمی بود. در آستانه کنگره دوم کومه له و در خود آن کنگره دو دیدگاه سیاسی در رهبری وقت کومه له که به دیدگاه یک و دو موسوم بودند، وجود داشت. دیدگاه دو که سمت گیری مارکسیسم انقلابی را داشت، به تأثیر از مارکسیسم انقلابی که اتحاد مبارزان کمونیسٹ مطرح کرده بود با آمادگی سیاسی روشن تر با اسناد و قطعنامه ها و پلاتفرم و سیاست خودش در کنگره دوم کومه له ظاهر شد. مارکسیسم انقلابی آنجا دست پیدا کرد. تا آنجایی که من اطلاع دارم نمایندگان دیدگاه یک هم در آن کنگره متقاعد می شوند، که جهت گیری دیدگاه دوم درست است. جهت گیری و قطعنامه های کنگره دوم که چکیده افق سیاسی مارکسیسم انقلابی بود به تصویب عمومی کنگره می رسد. در آن کنگره از تلاشهای اتحاد مبارزان کمونیسٹ در تدوین و ارائه خط مشی مارکسیسم انقلابی قهرمانی میشود. در مقدمه جزوه قطعنامه های مصوب کنگره دوم کومه له که در اول اردیبهشت ۱۳۶۰ منتشر شده چنین آمده است. "در پایان لازم می دانیم کوشش های ارزنده ای را که از جانب "اتحاد مبارزان کمونیسٹ" در راه مبارزه با پوپولیسم و اکونومیسم و تثبیت تئوریک بینش پرولتری در جنبش کمونیستی ایران به عمل آمده و ما را نیز در طرد بینش های انحرافی مساعدت کرده است، خاطر نشان کنیم. بعد از این انتخاب سیاسی کنگره دوم کومه له، زمینه برای ارتباط مستقیم بین رهبری کومه له و اتحاد مبارزان کمونیسٹ فراهم میشود. به دنبال دیدار هیئت نمایندگی رهبری کومه له و اتحاد مبارزان کمونیسٹ در تهران اتفاق میافتد. از طرف کومه له یادش بخیر سعید یزدیان عضو دفتر سیاسی وقت کومه له که بعداً به دست جمهوری جنایتکار اسلامی اعدام شد و عمر ایلخانی زاده که فکر میکنم آن وقت عضو کمیته مرکزی کومه له بود، شرکت داشتند. از طرف اتحاد مبارزان کمونیسٹ هم هیئتی حضور داشته، نمیدانم چند نفر بودند، اما آنچه روشن است یکی از آنها منصور حکمت بود. نشست برگزار میشود. به نظر من و نه تنها من همه اعضای رهبری وقت کومه له و کادرهایش که همانوقت در جریان نتایج این دیدار بودند، مهم ترین تحول سیاسی در برخورد با مسئله کرد و مارکسیسم انقلابی و کومه له در این دیدار اتفاق میافتد. لذا توجه تان به روایتی که اینجا و امانتدارانه بیان میکنم جلب میکنم. شخصاً مستقیماً مباحث آن جلسه را در این رابطه گوش کردم. داستان به این شکل بود هیئت دو سازمان دیدار میکنند. بحث ها ضبط شده بود. تا آنجایی که من اطلاع دارم همراه نوار بحث ها یک نوشته مفصل از جانب منصور حکمت برای رهبری کومه له ارسال شده بود. (آنوقت هنوز با این نام مشهور نبود، به کردستان آمد، ما با اسم نادر او را شناختیم) آن نوار موقعی که به دست رهبری

منصور حکمت و مسئله کرد

(سمینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در قبال مسئله کرد

– بخش اول)

رحمان حسین زاده

با درود به حضار و بینندگان و شنوندگان عزیز این سمینار!

در این سمینار مشخص قصد ندارم، کل دیدگاه منصور حکمت در برخورد به ناسیونالیسم و ملی گرایی و مسئله ملی را تکرار کنم. سلسله مباحث، "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسیم کارگری" و فشرده سیاسی آن در برنامه دنیای بهتر، متاخرترین دیدگاههای حکمت را در برخورد به ناسیونالیسم و ملت و مساله ملی به لحاظ تئوریک، سیاسی و استنتاجات عملی مطرح میکند. این مباحث در سایت منصور حکمت و در جلد هشتم مجموعه آثار او موجود است و علاقمندان را به مطالعه این مباحث فرامیخوانم. به سهم خودم سه سال قبل در کنگره سوم منصور حکمت ناسیونالیسم و ملی گرایی را از دید حکمت بازخوانی کرده و همانوقت و هفته گذشته هم متن کتبی آن را منتشر کردم. لذا بحث زیر را در اینجا به طور مشخص به نحوه برخورد منصور حکمت به مسئله کرد، و راه حلش برای مسئله کرد در کردستان ایران و بعد کردستان عراق اختصاص میدهم. سابقه مساله و مسیر سیاسی که طی شد را بازخوانی میکنم.

به لحاظ تاریخی اولین جایی که دیدگاه منصور حکمت در برخورد به جنبش رفع ستم ملی و حل مسئله ملی در کردستان بروز پیدا می کند، در برنامه سازمان اتحاد مبارزان کمونیسٹ منتشر شده در فروردین ۱۳۶۰ است. آن برنامه به قلم منصور حکمت نوشته شده و آنجا سیاست شناخته شده کمونیسٹ ها در آن دوره یعنی مبارزه علیه ستم ملی و دفاع از "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" طرح شده است. ترجمه عملی اش در آن زمان در رابطه با مسئله کرد یعنی به رسمیت شناسی حق ملل در تعیین سرنوشت تا سرحد اینکه مردم کردستان حق جدائی و تشکیل دولت مستقل را دارند. یا اینکه اگر در چهارچوب کشور ایران باقی میمانند تاکید شده ستم ملی تماماً بر چیده شود و مسئله ملی حل شود و حق مردم در یک نظام سیاسی متعهد به تامین حقوق برابر شهروندی در قانون و در اجرای عملی آن بی اما و اگر تامین و تضمین شده باشد. نتیجتاً هم سرنوشت و هم جهت با کل کارگر و زحمتکش و مردم در سراسر ایران سرنوشت خود را به دست بگیرند. به این شکل علیه سیاست شوونیستی و یا ناسیونالیستی سیاست انقلابی و کمونیستی اتخاذ میشود. مقطع مهم دیگر در مهر سال ۱۳۵۸ بعد از اینکه یک ماه و چند روز از یورش نظامی جمهوری اسلامی به کردستان گذشته و جنبش مقاومت مردم کردستان شکل میگیرد و نیروهای سیاسی و نظامی از جمله کومه له در آن درگیر است، سازمان اتحاد مبارزان کمونیسٹ در نوشته ای به اسم "عرصه های اصلی نبرد طبقاتی"، دو عرصه ی محوری و اصلی نبرد طبقاتی را چنین فرموله میکنند. الف- مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر کشور بر علیه فلاکتی که نظام سرمایه داری وابسته و بحران ریشه ای آن بر آنان تحمیل میکند. ب- مبارزات

منصور حکمت و مسئله کرد

(سمینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در قبال مسئله کرد

– بخش اول) ...

کومه له میرسد، فوری متقاعد میشوند بحثهای خیلی راهگشا و مهم است. رهبری کومه له در سطح اعضا و پیش عضوهای آن وقت کومه له پخش کرد که گوش دهیم. ما جمعی از اعضا و پیش عضوهای کومه له در شهر و منطقه بوکان به دستمان رسید و گوش کردیم. در بخشی از صحبتها منصور حکمت این را مطرح کرد و گفت، "کنگره دوم، تحول مهمی است. سیاست چپ و مارکسیسم انقلابی را در پیش گرفته و این خیلی مهم است. همانجا گفت اما فرمول بندی های قطعنامه هایتان و اسنادتان بعضی جاها نادقیق، چپ روانه و اشتباه است. از جمله مشخصاً در "قطعنامه جنبش مقاومت خلق کرد" و در برخورد با مسئله رفع ستم ملی اشتباهات جدی دارد. برای کومه له مثل "تیر به پای خود زدن" است. این جمله را به دقتی یادم است، چنین گفت. ادامه داد و گفت در قبال "جنبش مقاومت خلق کرد و مسئله ملی" شما سیاستی اتخاذ کردید و فرموله کردید که عملاً یعنی عرصه را سپردن به حزب بورژوازی کرد، حزب دمکرات کردستان و به این معنی، جاخالی دادن به آنها و این برای کومه له مثل تیر به پای خود زدن است. آن بخش از قطعنامه کنگره دوم کومه له که مورد نقد حکمت بود

من اینجا نقل می‌کنم. نوشته شده، "تا آنجا که به سازمان ما مربوط می‌شود بایستی اهمیت بزرگی را که جنبش مقاومت در امر کسب دموکراسی و مبارزه طبقاتی پرولتاریای ایران و در صحنه کنونی دارد درک کنیم. از آن پشتیبانی نموده و فعالانه در آن شرکت کنیم و بکوشیم تا صف مستقل دمکراسی بپیگیر را هر چه بیشتر تقویت نماییم. در همان حال بایستی باید محدودیتهای آن را بشناسیم. پرولتاریای آگاه نمیتواند سرنوشت خود را به یکی از مقاطع و عرصه های انقلاب دموکراتیک وابسته کند. ما بایستی جنبش مقاومت را به مثابه عرصه نبرد مرگ و زندگی برای خود درآوریم، بلکه باید در هر حال ادامه کاری خود را به مثابه سازمان پرولتاریایی در نظر داشته باشیم".

منصور حکمت نتیجه گرفته بود، این فرمولبندیها حاوی سیاست غیر دخالتگر و به پاسیفیسم منجر میشود! واقعیت اینست این نوع فرمولبندی های افراطی و نوعی مرزبندی سطحی با پوپولیسم عملاً به پاسیفیسم منجر شده بود. به طور عینی برای کادرها و اعضای مثل ما که آن وقت درگیر بودیم، بعد از کنگره دوم کومه له با نوعی بی عملی تحت نام اینکه جنبش مقاومت تمام عرصه زندگی ما نیست! ما با پوپولیسم مرزبندی کردیم، اتفاق افتاده بود. اعضای امانتدار و شاهدان زنده آن وقت میتوانند، گواهی بدهند که چنین شده بود. زمانی که این شنیده شد، آن جمعی که گوش میدادیم به حدی بر ایمان جالب و بحثهای مهم و تغییر دهنده ای بود که سراپا گوش شدیم و یکی دوبار نوار را تکرار کرده و این تکه بحث را گوش کردیم و فوری با آن توافق داشتیم. قطعنامه های کنگره دوم در یکجای دیگر هم یک ایراد اساسی داشت. در برخورد به رفع ستم ملی که اینجا نقل می‌کنم. در تکه پایانی این سند یا آن قطعنامه در بند ج این را میگوید. "ایران کشوری است کثیرالملة. رفع ستم ملی

به طور نهایی به صورت حق تعیین سرنوشت برای خلقهای تحت ستم ایران فقط با تحقق برنامه سوسیالیستی پرولتاریا امکان پذیر است". یک نقد جدی تر منصور حکمت این بود گفته بود که شما هیچ راه حلی برای رفع ستم ملی ندارید. و حواله اش دادید به تحقق سوسیالیسم. تاکید کرده بود این حکم به لحاظ تئوریک غلط است. چون در چهارچوب همین نظم سرمایه داری اتفاقاً مسئله ملی به قول عبارت های آن دوره مثل خیلی از مسائل دموکراتیک دیگر می تواند جواب بگیرد و می تواند راه حل برایش وجود داشته باشد. گفته بود شما که این را حواله میدهید به سوسیالیسم، یعنی الان برنامه ای برایش ندارید. پاسیفیسم و بی عملی پیشنهاد می کنید. میدان را خالی می کنید، تا حزب بورژوازی کرد با طرح خود مختاری یا هر چیز دیگر مردم را حول طرحش بسیج کند. این نقدها و نوار و نوشته آن وقتی به دست رهبری کومه له میرسد، با استقبال روبرو شد. با سمپاتی در میان اعضا و پیش عضوها پخشش کردند. این مسئله آنقدر برایشان مهم بود، فراخوان یک کنفرانس ویژه را دادند. سه یا چهار ماه بعدترش به هر حال در شهریور ۱۳۶۰ کنفرانس ششم کومه له تحت تأثیر این نوع نقد و پیشنهادات منصور حکمت برگزار شد این اسناد در آن کنفرانس اصلاح شدند و حتی اسناد کاملتر و جامع تری من یادم هست ارائه کردند. این مساله را هم حسین مرادیگی (حمله سور) و هم ابراهیم عزیزاده از رهبران وقت کومه له در کتابهایی که منتشر کردند، اشاره کردند. که از هر کدام نقل قول میاورم.

رفیق حسین مراد بیگی (حمله سور) به این شکل نوشته "منصور حکمت نگرش ما را نسبت به جنبش دموکراتیک از موضوع پرولتاریای سوسیالیست نقد کرد. و گفت طبقه کارگر و سازمان سیاسی او به عرصه مبارزه دموکراتیک بی ربط نیست. زیرا مبارزه برای آزادی های دموکراتیک بخشی جدایی ناپذیر از مبارزه پرولتاریا برای رسیدن به قدرت سیاسی است. میگفت طبقه کارگر باید پیشنهاد مبارزات دموکراتیک نیز باشد و کومه له با کم رنگ کردن آن در قطع نامه های خود مرتکب اشتباه می شود و به لحاظ سیاسی ضرر می کند. نقد اصلی تر منصور حکمت در این قطع نامه سر مساله ملی بود که کنگره دوم گفته بود، مسئله ملی در سوسیالیسم حل می شود. منصور حکمت آن را نقد کرد و می گفت این موضع هم به لحاظ تئوریک غلط است هم به لحاظ عملی کومه له را غیر دخالت گر می کند". ابراهیم عزیزاده (دبیر اول کومه له) در کتابش دوجلدیش که نژدم هست، در صفحه ۱۶۶ که به زبان کردی است و من مستقیماً ترجمه اش می کنم اینجوری نوشته است. "جوهر نقد منصور حکمت این بود که کنگره دوم کومه له تا جایی که خودش را از افکار مائونیستی و پوپولیستی نجات داده، کنگره ای پیشرو بوده، اما در عین حال نتوانسته راه حلی برای محکم کردن رابطه بین کومه له و جنبش توده ای در کردستان را پیشنهاد کند. منصور حکمت از ما که در کردستان بودیم بیشتر به مسئله ملی اهمیت داده بود و از ما بیشتر حتی بازمانده های عقب ماندگیهای نظام فئودالی را برای حل مسئله زمین دیده بود و برای مساله ارضی هم راه حل نشان داده بود و او به این شکل کمیته مرکزی کومه له را از یک مخاطره ای که نوعی چپ روی را دامن میزد برحذر کرده بود. ما را مطلع کرد و هشدار داد ما با آن نقد ها قانع شدیم و با عجله کنفرانس ششم کومه له را چند ماه بعد برگزار کردیم و اسنادمان را تدقیق کردیم" این هم قضاوت دبیر اول کنونی کومه له در این مورد. همینجا بگویم اما کتاب عبدالله مهدی را هم که مراجعه کردم، در مورد این اتفاقات تاریخی مربوط به

منصور حکمت و مسئلہ کرد

(سمینار بازخوانی سیاست منصور حکمت در قبال

مسئلہ کرد - بخش اول) ...

کنگرہ دوم، نقش اتحاد مبارزان کمونیست و این برخورد انتقادی حکمت به مسئلہ قطعنامه های کنگرہ دوم، و غیرہ، لام تا کام چیزی نگفته است. در کتابش به ویژه تا آنجا کہ بہ جنگ حزب دمکرات علیہ کومہ لہ برمیگردد، فاکت های خیلی دروغینی گفته است. در بعضی جاها برخورد منصور حکمت بہ مسئلہ ملی را تحریف کرده است. میخوام بگویم، تا چه اندازہ کتاب عبد اللہ مہدی بی اعتبار است. در مباحث مربوط بہ جنگ حزب دمکرات علیہ کومہ لہ بہ این کتابها بیشتر برمیگردم.

نتیجہ گیری من این است منصور حکمت با این برخورد تیزبینانہ، واقعیتش اینست ہشدار بزرگی را بہ سازمان کومہ لہ داد و مانع شد این سیاستهای غلط بہ لحاظ تئوریک و نظری و پاسفستی و غیر دخالت گر بہ لحاظ عملی در پیش گرفته شود. برای کومہ لہ کہ درگیر در یک جنبش سیاسی تودہ ای و درگیر جنبش رفع ستم ملی بود، اگر آن سیاستها کہ در کنگرہ دوم کومہ لہ فرمولہ شدہ بود، جنبہ اجرایی پیدا میکرد، بہ نظرم ضربه سنگینی بہ سازمان چپ و کمونیستی و کومہ لہ وارد میشد. آن سازمان بہ طرف حاشیہ ای رفتن می رفت و بہ نظرم بہ آسانی نمی توانست جای پای خود را در جنبش سیاسی و اعتراضی کردستان محکم کند. شاید گفته شود، عاقبت این سیاستهای اشتباه اصلاح میشد، بہ نظرم در غیاب نقدہای حکمت بسرعت این اتفاق نمی افتاد و ضربه خود را میزد.

این را ہم اینجا تاکید کنم، اینطوری نبود کہ بقیہ اعضای رہبری اتحاد مبارزان این تیزبینی را داشتند و این نوع نقد حکمت را مطرح میکردند. تجربہ آنوقت و بعدا ہم نشان داد، بخش عمدہ سیاستهای تحول بخش کہ بنام اتحاد مبارزان کمونیست مطرح میشد، طرح و سیاست منصور حکمت بود. بہ نظرم چنانکہ نقدہا و سیاستهای منصور حکمت مطرح نمیشد، آن سیاستهای غیر دخالت گر، بی پاسخی برای مسالہ ملی و نہایتا منزوی شدن کومہ لہ در کردستان پیش می رفت و بقول منصور حکمت صحنہ بہ تمام معنای برای حزب بورژوازی کرد خالی می شد. برخلاف پروپاگاندا مخالفان و دشمنان منصور حکمت حتی سر مسئلہ ملی منصور حکمت بہ داد کومہ لہ رسید و نقش نجات ہندہ و منحصر بفردی را ایفا کرد. در ادامہ و در بخش دوم بہ مقاطع دیگر طرح سیاست منصور حکمت در قبال مسئلہ کرد میپردازم.

ادامہ دارد ...

این سمینار سال گذشتہ بہ مناسبت روز حکمت بہ زبانهای فارسی و کردی از تلویزیون پرتو پخش شد، کہ اکنون مکتوب شدہ اش با اندک تدقیقی در آن منتشر میشود.*

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست بہ

رفیق مصطفی قادری!



رفیق مصطفی قادری عزیز!

دروہای گرم ما را پذیرا باشید، در جلسہ روزہای ۲۹ و ۳۰ مہ ۲۰۲۱ دفتر سیاسی حزب حکمتیست با حضور رفقا حمہ سور و جمال کمانگر دبیر کمیٹہ مرکزی، اطلاع یافتیم کہ شما اکنون در بیمارستان شہر وانتای فنلاند بستری هستید. ہمہ ی رفقای در این جلسہ بہ شما سلام و درود دارند.

رفیق مصطفی عزیز، حزب ما ہموارہ شما را بعنوان رفیقی کمونیست با سابقہ بیش از ۴۲ سال رزمندگی در عرصہ مبارزات کارگری، مبارزہ تودہ ای و مسلحانہ در کردستان، مبارزہ پیگیر علیہ رژیم جنایتکار اسلامی و برای برپائی یک دنیای بہتر در کنار خود داشته است و در این راہ ہمقدم و ہمرزم باہم مبارزہ کردہ ایم.

حضور ہمیشگی ات در سمینارهای سیاسی، مراسمهای حزبی، کمپینها، آکسیونها و راهپیمائی ها کہ رفقای حزب حکمتیست در کشور فنلاند سازمان دادند، چه علیہ رژیم اسلامی و یا در مناسبت های روز جهانی زن و روز جهانی کارگر و حضور گرم و پر شور شما در کنگرہ های حزب حکمتیست، ہمہ خاطرہ های شیرینی هستند کہ مایہ افتخار و تحکیم رفاقت و ہمسرنوشتی ما هستند. ما ہیچگاہ کار و تلاش و زحمات صمیمانہ و انقلابی شما را فراموش نخواہیم کرد.

رفیق مصطفی عزیز، متأسفانہ در این شرایط کرونائی امکان سفر و دیدار حضوری برای ما امکان پذیر نیست، آرزوی قلبی ما این بود کہ در این روزها در کنار شما و خانوادہ محترم شما می بودیم.

دستت را بگرمی می فشاریم.

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳۰ مہ مہ ۲۰۲۱



دیدگاه منصور حکمت درباره

حزب و قدرت سیاسی، حزب و جامعه، حزب تمام عیار سیاسی

(به مناسبت روز حکمت - ۲۰۲۰/۱۳۹۹)

فاتح شیخ

مسیر بیست ساله

نگاهی به متد و دیدگاه

منصور حکمت مسیر بیست ساله کمونیسمی که خود در راس رهبری فکری و سیاسی و حزبی آن بود را مرور میکند. وقتی ابتدا با تئوری کمونیسم مارکس در بریتانیا آشنا میشود به تناقض آشکار آن با کمونیسم موجود و مسلط زمان در شوروی و چین و بلوک شرق پی میبرد. رابطه کمونیسم با مارکس سوال آن وقت است و پی جواب آن میگردد. با فروزش انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ ایران سوال بعدی رابطه کمونیسم با انقلاب میشود. جدال فکری سیاسی با چپ پوپولیست حاضر در آن انقلاب با پرچم مارکسیسم انقلابی او را به ضرورت حزب سیاسی کمونیستی میرساند. برای تلاش در راه تشکیل حزب کمونیستی، آن وقت سوال کمونیسم و حزب؟ سوال روز میشود. تلاش او برای تشکیل حزب کمونیست ایران در راس اتحاد مبارزان کمونیست همراه با نیروی انقلابی کمونیست کومه له دارای نیرو و نفوذ اجتماعی سیاسی آن زمان، راه تشکیل حزب کمونیست ایران را هموار کرد و سوال بعدی به رابطه کمونیسم و طبقه؟ تبدیل شد. این سوال (رابطه کمونیسم و طبقه دیگر) نه در چارچوب فکری پیشین مارکسیسم انقلابی جواب میگرفت و نه در ساختار حزب کمونیست موجود میگنجید. آنگاه لزوم رجوع اجتماعی و پراتیکی به وجه جنبشی طبقاتی کمونیسم برجسته میشود. جواب آن کمونیسم کارگری است. میگوید اگر به آن مسیر بیست ساله نگاه کنی، گذار از هر سوال به سوال بعدی منطق رو به پیش و هدفمند و نتیجه بخشی دارد. نتیجه گیری آن شد که باید از موقعیت گروه فشار به موقعیت حزب سیاسی گذر کرد.

حزب تمام عیار سیاسی

در بحث "حزب و جامعه" منصور حکمت پروژه حزب سیاسی را تا آخرین حلقه پراتیک روشن میکند، خود راسا پیشبرد و پراتیک کردن آن پروژه را هدایت میکند. کنفرانس برلین در تقابل با جریان دو خرداد و عمر خریدن خاتمی برای رژیم اسلامی، تصویر یک حزب سیاسی مرتبط به قدرت سیاسی در ایران را به روشنی در برابر دید جامعه گرفت. رضا خاتمی برادر محمد خاتمی و رئیس حزب مشارکت اسلامی با افسوس یک دوخردادی گفت: با انعکاس کنفرانس برلین در صدا و سیمای رژیم (بر متن نزاع دو جناح رژیم) نام حزب کمونیست کارگری به همه خانه های ایران رفت. پس از آن ابراز وجود قدرتمند حزب در کنفرانس برلین، کنگره سوم حزب با ابتکار تام و تمام منصور حکمت با عظمت کامل و برای اولین بار در حیات احزاب اپوزیسیون ایران به طور علنی برگزار شد. آن کنگره تصویر حزب سیاسی کمونیستی طبقه کارگر را گام بلند دیگری جلو برد. با این همه منصور حکمت در افتتاحیه آن کنگره بزرگ و افتخارآفرین میگوید: ما هنوز در حرکت به سوی حزب سیاسی هستیم. روز بعد از کنگره جدال معروف "سلبی و اثباتی" میان منصور حکمت و حمید تقوایی همچون نتیجه بدیهی کنگره سوم نقطه برش واضحی در عیان کردن تفاوت راه و دیدگاه منصور حکمت و حمید تقوایی در ارتباط با حزب سیاسی و رابطه حزب با تحولات جاری جامعه را نشان داد. منصور حکمت در بحثهای بعد از کنگره سوم تا زندگی مجالش داد برای تبدیل حزب خود به "حزب تمام عیار سیاسی" در هر دو عرصه فکری و سیاسی مایه فراوان گذاشت.

در دایره سه بخشی تیتیر بالا کلید مساله "حزب سیاسی" است. حزب تمام عیار سیاسی است. از دید منصور حکمت کمونیسم کارگری در سه ظرفیت، سه وجه نمایان میشود: وجه جنبشی طبقاتی، وجه حزبی سیاسی، وجه دیدگاهها و نگرش به جهان (مبانی کمونیسم کارگری - پنج اثر چاپ ۲۰۱۹ ص ۲۴۷). در این سه وجهی اگر دقت کنید وجه "حزبی سیاسی" حلقه میانی دو وجه دیگر است. دیدگاه و نگرش "فراحزبی" برای حزب سیاسی از همین موقعیت، از تعلق حزب سیاسی کمونیستی به وجه جنبشی طبقاتی کمونیسم سرچشمه میگیرد و نه برعکس.

چرا این سه موضوع؟

از میان گنجینه وسیع فکری سیاسی منصور حکمت این سه موضوع مرتبط به هم را برای معرفی در "روز حکمت" امسال انتخاب کرده ام. چرا؟ آخر امسال روز حکمت وسط یک بحران بیسابقه اقتصاد جهانی افتاده که با فاجعه زیستی کورونا تواما و به شدیدترین شکل بشریت را میکوبند. کروکودیل ویروس کورونا سوار بر پشت اژدهای بحران اقتصادی ۲۰۲۰ کره زمین را دور زده اند علاوه بر قربانی گرفتن صدها هزار جان و پریشان کردن صدها میلیون روان انسانها، تا همینجا صدها میلیون بیکار به ارتش صدها میلیونی سابق بیکاران جهان افزوده اند. این دو بحران توامان، تحولات عظیمی در جهان به بار خواهند آورد و تندپیچهای اساسی حساسی پیش روی بشریت خواهند گذاشت. ایران یکی از ضعیفترین حلقه های سرمایه داری بحرانزده جهان است. اقتصاد آن در پرتگاه فروپاشی است. حاکمیت اسلامی آن تماما فرسوده و رو به سقوط است. این جامعه در این شرایط با تندپیچی اساسی روبروست که دو چشم انداز و دو آلترناتیو تحول در آن محتمل است: آلترناتیو اول کمونیسم بازو به بازوی جنبش رادیکال کارگری رژیم اسلامی سرمایه را ساقط میکنند، نظام جهانی سرمایه را میشکافند و شیپور استقرار سوسیالیسم را مینوازند. آلترناتیو دوم راست بورژوازی با حمایت قدرتهای جهانی و منطقه ای سرمایه داری در این فرصت به قدرت چنگ میزند، نظیر همان بلا را سر کمونیسم و کارگر ایران میآورد که رژیم اسلامی جایگزین رژیم شاه آورد. پس در این شرایط دست بردن کمونیسم به قدرت سیاسی به معنی واقعی کلمه حیاتی است. برای دست بردن به قدرت، کمونیسم و کارگر به حزبی سیاسی نیاز حیاتی دارد، حزبی که چشم به قدرت دوخته باشد. حزب سیاسی هم نه سر خود بلکه از کانال مکانیسمهای اجتماعی میتواند قدرت سیاسی را تصرف کند. وگرنه با جست و خیز خارج از مکانیسم جامعه به معادلات سیاست راه نخواهد برد. فقط جست و خیز خواهد کرد. اینجاست که دو بحث "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" دو چراغ روشنگر راه مبارزه کمونیستها و فعالان پیشرو جنبش رادیکال کارگری هستند.

منصور حکمت در بحث "حزب و جامعه" با بررسی رابطه حزب و جامعه، مکانیسمهای اجتماعی خیز برداشتن و دست بردن به قدرت سیاسی را مشروح و منسجم و جهتدار و جانبدار توضیح داده است. در آن اثر خواندنی شیرین، او رابطه حزب بیست سال پیش را با جامعه بیست سال پیش بررسی کرده است. واضح است که امروز لازم است که با کاربست همان متد و دیدگاه، رابطه حزبیت سیاسی موجود را با جامعه سال ۲۰۲۰ بررسی کنیم.

پرسش روز
هشدار و فراخوان روز

دیدگاه منصور حکمت درباره

حزب و قدرت سیاسی، حزب و جامعه، حزب

تمام عیار سیاسی ...

مسیر بیست ساله دوم؟

از مرور آن مسیر بیست ساله توسط منصور حکمت بیست سال گذشته است. هجده سالش در فقدان آن عزیز. با همان متد و دیدگاه مسیر بیست ساله دوم را اگر بررسی کنیم به چه نتیجه ای میرسیم؟ در ارتباط با گذر از موقعیت "گروه فشار" و پیشبرد پروژه حرکت به سوی حزب تمام عیار سیاسی، آیا حلقه آخر پراتیک آن را به دست گرفته ایم؟ آیا آن پروژه "فریز" شده؟ آیا حرکتی که با هدایت او به نقطه رضایت او نرسید، به عقب برگشته؟ آیا شعبات حزب منصور حکمت پس از او به موقعیت گروه فشار عقبگرد کرده اند؟ چنین سوالاتی اگر از دید رهبری احزاب موجود ممنوع الطرح هم باشند خواه ناخواه طرح میشوند و بجاست آگاهانه توسط فعالان کمونیست متحزب و غیرمتحزب طرح شوند. مهم این است بر این نگرش و متد کمونیستی تاکید شود که هدف راه انداختن جنبش سوال نیست بلکه راه انداختن جنبش جواب درست به سوالهای واقعی است. جواب کمونیستی به مساله رابطه حزب و طبقه در شرایطی که صف پیشرو و رادیکال طبقه کارگر با قدرت و خوشبینی و پایداری بیسابقه ای به میدان آمده است، در شرایطی که فعالین رادیکال سوسیالیست در سالهای اخیر پرچم "شورا" را همچون پرچم هویتی جنبش رادیکال خود برافراشته اند. و به گفته منصور حکمت "اساس هویت کمونیسم کارگری بحث شورا و عمل مستقیم عده زیاد مردم است" (مبنای کمونیسم کارگری - پنج اثر چاپ ۲۰۱۹ ص ۳۱۹).

روز حکمت و گرامی داشت او اگر تنها به وصف دیدگاه حکمت یا معرفی آثار او محدود بماند مصداق ریختن بحر در کوزه است. (گر بریزی بحر را در کوزه ای - چند گنجد؟ قسمت یکروزه ای) متأسفانه اینجا و آنجا شاهد مصرف روزانه از گنجینه میراث فکری سیاسی منصور حکمت هستیم. اگر جریانی تن به روتین و روزمرگی داده، کاربست اجتماعی کمونیسم کارگری حکمت را به کاربست مصرف روزانه روشنفکران ناراضی و محدودنگری خرده بورژوازی تنزل داده است. در روز حکمت پرسش روز را باید پرسید: پروژه حزب تمام عیار سیاسی تا کجا پیش رفته است؟ حزبی که در قلمرو سیاست سراسری در جدال قدرت نیروی باشد که جنبش رادیکال فی الحال فعال طبقه کارگر را نمایندگی کند، هدایت کند، سازمان دهد، اتحاد سراسری آن را تامین کند، در عرصه نبرد با بیکاری نسل جوان کارگران بیکار را به میدان بیاورد و سازمان دهد که بر اثر بازتاب بحران اقتصادی جهان در اقتصاد ایران تا همینجا جمعیت چند میلیونی قبلی بیکاران سر به چندین میلیون زده است. حزبی که مهمتر از همه اینها در تندپیچ اساسی پیش رو هماهنگ با اردوی کارگری و کمونیستی بتواند دست به قدرت سیاسی ببرد، فرصت را از دست ندهد. به طبقات استثمارگر در حاکمیت و در اپوزیسیون فرصت تعرض به کمونیسم و کارگر ندهد. پرسش روز در عین حال هشدار و فراخوان به اردوی کارگری و کمونیستی است. پرسشی حیاتی که جواب سرراست میطلبد، بی پرده پویشی. در کمال شفافیت.

یاد عزیز منصور حکمت را با کاربست اجتماعی دیدگاه او گرامی بداریم. به گنجینه بزرگی که برای نسل امروز به جا گذاشته قدر بگذاریم.

۲۸ مه ۲۰۲۰ / ۸ خرداد ۱۳۹۹



مضحکه انتخابات

سیوان گرمی

پرده اول
چرا مضحکه؟

این دوره انتخابات رژیم اسلامی، تلاشی برای یکدست کردن قدرت و خروج از جنگهای جناحی درون رژیم اسلامی است. در دوره‌های قبل، برای حفظ ظاهر هم که بوده باشد، افراد و نیروهایی از طیفهای مختلف را به عنوان کاندیدا در مقابل مردم قرار می‌دادند تا مردم هم "اصلاح" را انتخاب کنند. فیلتر شورای نگهبان با تاروپودهایی که حفظ نظام را در اولویت قرار می‌داد، گاهاً اجازه عرض اندام را به طیفهای که به خود اجازه می‌دادند به خط قرمزهای نظام نزدیک شوند، می‌داد. این دور اما متفاوت است. خریداران عمر برای رژیم اسلامی، قاتلین مردم و خالقین خاورانها، از این فیلتر گذر نکردند. اینبار نیاز به یک انتخابات بدون استرس و ترس و واهمه برای خامنه‌ای است که بتواند این یکدست بودن قدرت را بدون چالش به ثمر برساند. مجلس اسلامی، قوه قضاییه و حالا قوه مجریه جنایتکارانی مانند احمدی‌نژاد و صف طولی از این "ادمها" که پشت فیلتر شورای نگهبان ماندند، نشان می‌دهد که حاکمیت نهایتاً شعار مردم، شعار اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا، را شنیده است. دیگر تمایلی به ادامه این جنگ زرگری ندارد. تصمیم خود را گرفته است. اینکه خروجی این انتخابات چه کسی است، به هیچ عنوان تاثیری در یکدست بودن رژیم پس از آن نمی‌کند. اگر امروز چهره رئیسی برای جامعه ایران آشنا و رو شده است، شش نفر دیگری که از این فیلتر گذر کردند، حتماً دستهایی خونینتر، شکنجه‌گران قهارتر و جنایتکارانی سنگدلتر از رئیسی هستند. شاید با نام و نشانی متفاوت، در زمان و مکانی محو در زمان، با آنها روبرو شده ایم و شاهد جنایت‌هایشان بوده‌ایم. حتماً ماه پشت ابر نمی‌ماند.

حالا این بساط را نباید مضحکه نامید؟ چرا نباید دست‌چین شدن ۷ جنایتکار در میان بیش از پانصد جنایتکار دیگری که برای خوش‌خدمتی و یکدست شدن رژیم اسلامی ثبت نام کردند، مضحکه نامید؟ اگر امثال تاجزاده از این فیلتر و تاروپود رد می‌شد، تفاوتی در آینده می‌کرد؟ قطعاً نه. اگر ملاک برای تغییر در جامعه، سفره مردم، کارگران و زحمتکشان است، در این چهار دهه کوچک و کوچکتر شده است. مضحکه‌های انتخاباتی رژیم و روسای دولت بجز استثمار طبقه کارگر، کوچکتر کردن سفره کارگران، دستگیری و شکنجه و کشتار مردم کاری انجام دادند؟

یکدست شدن رژیم و یا هر نام دیگری که بر آن گذاشته شود، محصل مضحکه‌ای است که در پیشرو داریم. مضحکه‌ای که در آن جنایتکارانی برای گرفتن این صندلی لاله می‌زنند.

پرده دوم
سردرگمی "خودی‌های" نظام

تصمیم خامنه‌ای و تبعیت شورای نگهبان برای برگزاری مضحکه انتخاباتی با کمترین هزینه سیاسی برای رژیم در آینده، صدای جنایتکارانی را در هر دو جناح رژیم درآورده است که هر چه نگاه می‌کنند نقطه سفیدی در پرونده‌ی سیاه خود پیدا نمی‌کنند. نفر اول این لیست، بی‌اما و اگر، احمدی‌نژاد است. اما در کنار او اعضای سابق شورای نگهبان و مجلس



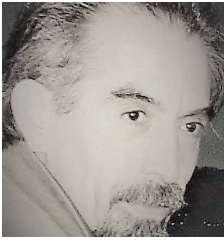
خبرگان هم دیده می‌شود که به این نوع برخوردهای شورای نگهبان معترضند. روزنامه‌های اصلاح‌طلب که در روزهای اول اعلام کاندیداها در شوک بودند، مصاحبه‌هایی را با معترضین هر دو طیف انجام دادند که حتی گفته بودند بهتر است خامنه‌ای با حکم حکومتی خود یک نفر را برگزیند و تمام.

خودی‌های بیرون گود قدرت، اگر خود را نزدیک خط قرمزهای رژیم بکنند، بدون تردید بیشتر منزوی می‌شوند و احتمالاً با برخوردهای امنیتی روبرو می‌شوند. کیس احمدی‌نژاد می‌تواند متفاوت باشد. تلاش احمدی‌نژاد در دو سال پایانی دوران ریاستش برای ایجاد ضلع سومی از قدرت و بازی در میدان قدرت بود. پس از آبان ۹۸ و یک کاسه شدن رژیم اسلامی از سوی مردم، امروز احمدی‌نژاد تلاش می‌کند خود را نماینده این شعار بدارد. اگرچه مردم احمدی‌نژاد و حتی کسانی که تلاش داشتند با بدست گرفتن شعارهایی همچون آزادی و رفاه و ... برای خود حامیانی دست‌وپا کنند، در طیف حاکمیت و رژیم اسلامی می‌بینند. مسئله‌ای که بعد از پایان این مضحکه به مولفه‌ای در سیاست رژیم اسلامی تبدیل می‌شود، برخورد این "خودی‌ها" با خروجی این مضحکه و نهایتاً حاکمیت یکدست رژیم اسلامی است. پذیرفتن این مجموعه از طرف این افراد، نهایتاً میدان بازی سیاست و قدرت را در درون رژیم اسلامی برای دوران بعد از خامنه‌ای مهیا می‌کند. اما آیا این "خودی‌های بیرون حاکمیت" به این مسئله تن می‌دهند، سوالی است که باید برای پاسخ آن منتظر ماند.

پرده سوم

اپوزیسیون دلسوزتر از خودی‌ها

نگهدارهای رژیم، از فرخ نگهدار گرفته تا مفسرین بی‌بی‌سی و رسانه‌های دیگر، از این تصمیم رژیم دلسرد و ناامید شدند. تا دیروز از تصمیمات شورای نگهبان دفاع می‌کردند و تنها دلخوری که داشتند این بود که این یا آن چرا رد صلاحیت شد. حالا و پس از چهار دهه تازه یادشان آمده که برای رد شدن از این فیلتر باید خونهایی را ریخته باشی، جنایتها کرده باشی و پرونده سیاهی برای خودت دست و پا کرده باشی. این طیف مشروعیت رژیم اسلامی را از کانال این مضحکه می‌بینند و فکر می‌کنند آمارهای رژیم برای شرکت مردم، هر چند تا حدودی از نظر آنها دستکاری می‌شود، اما بر مشروعیت رژیم صحت می‌گذارد. این طیف نه دیمه و نه آبانماه را ندیدند. این طیف اعتراضات گسترده و سراسری بازنشستگان را نمی‌بینند. این طیف نارضایتی گسترده و عمومی علیه فقر و فلاکت، معیشت و سلامت را خط



عوامفریبی و توهمات رئیسی

سیاوش دانشور

انتخابات بورژوازی حتی در مهد دموکراسی نمایش وعده های پوچ و شعارهای خوش آهنگ و بی محتوا است. شباهت زیادی دارد به آذین بندی جشن ها که با پایان مراسم جمع میشود و به انباری یا سطل آشغال ریخته می شود. در دوره تبلیغات و باصطلاح "رقابت انتخاباتی"، "وعده"، ارزانتترین چیزی است که میشود داد و فردا با پر رونی انکار کرد. در کشورهایی استبدادی و اسلام زده مانند ایران و عربستان و سوریه، که شاه و امام و رئیس جمهور مادام العمر سناریوی انتخاباتی را می نویسند، این شعارها و وعده ها به مضحکه خاص و عام ارتقا می یابد. گونی هرچه پرت تر و چرندتر باشد بهتر است.

تصور اینکه قطب بندی انتخاباتی در ایران برسر "وضع موجود" و "تغییر وضع موجود"، آنهم توسط بانیان و مسببین وضع موجود باشد، مسخره تر از مسخره است. اما این روایت و پروپاگاندا طبقه حاکم است. در این میان ابراهیم رئیسی سرجلاد اعظم، در جمع کارگران شهرک عباس آباد گفته است: "دولت من ائتلافی خواهد بود، ائتلاف با مردم، تولید کنندگان و کارگران به سمت همه نیروهای مولد و ضد فساد دست استمداد دراز می کنم!"

رئیسی اولین جلسه انتخاباتی اش را در اتاق بازرگانی تهران با فاسدترین سرمایه داران میلیاردی گذاشت، از روند خصوصی سازی و قانون بلامنازع باغ وحش بازار دفاع کرد. همین قاتل نوکر سرمایه دار در شهرک صنعتی عباس آباد مونتلف کارگر می شود!

رئیسی آدمکش! آرزوی ائتلاف با کارگران را به گور خواهی برد. واقعیت اینست که نه تو بعنوان سمبل و تجسم فساد نظام اسلامی ضد فساد و نه اشتباهات طرفدار کارگر شدی! برعکس، فشار اعتراض امواج توفنده مبارزات کارگران برای آزادی و برابری و رفاه، پتانسیل عظیم اعتراضی و جرم وسیع انفجاری این جنبش، همه شما را در این مناسک طرفدار "حقوق مردم" و "حقوق کارگران" کرده است. شماها کاسه گدائی رای بدست گرفته اید و جوابتان یک مشت محکم بر دهانتان است.

در تاریخ کشمکش طبقاتی همواره بورژوازی تلاش کرده که کارگران را ضمیمه اهداف مذهبی و ملی و طبقاتی خود کند. همزمان گرایشاتی و عناصری میان کارگران وجود دارند که یا منفعت طبقاتی خود را نمی شناسند و دوست و دشمن را تشخیص نمی دهند، یا آگاهانه منافع شان با منافع جناح هائی از بورژوازی عجین است و سرباز و عامل تحقق اهداف بورژوازی شده اند.

کارگران بعنوان یک طبقه و یک جنبش با اهداف متمایز از کل بورژوازی، در این نمایش انتخاباتی طرف هیچ جناحی نیستند. کارگران از منافع طبقاتی خود دفاع می کنند و با هر جریان حکومتی و اپوزیسیونی که علیه این منافع باشد، روبرو خواهند شد.

عوامفریبی و توهمات رئیسی اما دود می شود و هوا میرود. جنبش کمونیستی طبقه کارگر اینرا تضمین می کند.

۲ ژوئن ۲۰۲۱

مضحکه انتخابات ...

میگیرند. اگر حضور حداقلی در این مضحکه که با اذعان سپاه و نیروهای سرکوبگر کمتر از ۳۰ درصد است، آیا می تواند به رژیم مشروعیت دهد؟ پس عدم حضور بیش از ۷۰ درصدی مردم نمی تواند به عدم مشروعیت رژیم اسلامی تعبیر شود. ترس و دلهره این کاسه های داغتر از آتش، عبور جامعه از رژیم اسلامی است که این مضحکه مهر تاییدی دوباره بر آن می دهد. حالا برای فرخ نگهدارها و مسعود بهنودهای خارج و رضا رخشانهای داخل، شرکت در این مضحکه، تایید جنایتهای رژیم است. اگر فرماندهان سپاه می گویند هر رای، یک گلوله است، بفرمایید این گوی و این میدان. رژیم اسلامی مشروعیت شلیک گلوله ها را از "رای" شما می گیرد و به سر و سینه جوانان و مردم معترضی می زند که برای عبور از این رژیم و سرنگونی آن آستین بالا زده اند.

ژوئن ۲۰۲۱

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه

و قیام و فردا ارگان

حاکمیت!

رئیس قهرمان خلع ید نیست

جاوید حکیمی



اندازد و آنگاه یگان ویژه را برای ضرب و شتم و پرونده سازی برای اعتصاب کنندگان، به جز عوامل خودش فرامی خواند. هفت تپه جایی است که قوای سرکوبگر با شلیک هوایی، اعتصاب کنندگان را عامدانه به سمت بیرون از کارخانه و شورش خیابانی جلوه دادن اعتراض هدایت می کنند. این وضعیت

بغرنج ضرورت هشیری کارگران به ویژه رهبران و سخنگویان آنها را دو چندان می کند. بدون تردید هر جا ظلمی روا شود اعتراض و اعتصاب حق مسلم کارگران است ولو محرک کنندگان اولیه آن عوامل زانو باشند. کسی اگر این پیچیدگی ها را نبیند بسیار محتمل است موضعی مخالف اعتصاب بگیرد یا در دام زانو و اغراض او بیافتد. "ناظران آگاه چپ" متأسفانه مدت هاست در این خصوص، مواضع اسف انگیزی گرفته اند. ما را با اینها کاری نیست. روی سخن ما با رفقای کارگر است.

دوستان کارگر؛

مذاکره با هیچ مقام مسئولی از صدر تا ذیل برای پیگیری مطالبات اشکالی ندارد لیکن ملاقات در ستاد انتخاباتی در این مقطع حساس خطایی فاحش است. حضور هر شخصیت موجه کارگری در ستاد انتخاباتی، یعنی خرج کردن از اعتبار کارگر برای صاحب ستاد و مشروعیت بخشیدن به کل انتخابات. این عمل با هیچ هدف و انگیزه ای پذیرفتنی نیست. می دانیم در این ملاقات، شما نه از زوایه منافع شخصی و حتی تقاضای بازگشت به کار خود، بلکه فقط و فقط از خواسته های کارگران دفاع کرده اید و از نجات هفت تپه سخن گفته اید. این تفاوت شماسست با رضا رخشان ها و دیگر عوامل زانو که با کمترین پاداش و دریافتی به هم طبقه ای هایشان پشت کرده اند. با علم به این و به رغم اینها می گویم و تاکید می کنیم رفتن به ستاد انتخاباتی رییس قاتل ها با هر انگیزه و هدفی اشتباه محض است و کاری است نابخردانه. حتی اگر این تصمیم حاصل مشورت و خرد جمعی بوده باشد چیزی از نادرستی آن نمی کاهد و مسئولیت آن در درجه اول متوجه شماسست.

رفقای کارگر؛

عوامل زانو مترصد فرصتی هستند تا خلع ید را اقدامی خطا، اسدببگی را حامی کارگران و علت مشکلات هفت تپه را کارشکنی نمایندگانی معرفی کنند که برای خلع ید جنگیند. زانو خلع شده اما شکست نخورده است. او بازی کثیف گذشته را در تحریک کارگران برای اعتصاب و نامن نشان دادن فضای هفت تپه شروع کرده است. کاهش حقایق و عدم پرداخت حقوق کارگران بخشی از همین سناریوی کثیف است. عوامل زانو اکنون کاسه داغ تر از آتش شده و تا مرتبه "لیدر اعتراضات" البته در هماهنگی کامل با زانو عروج کرده اند. یک هدف آنها ترور و تخریب شخصیت نمایندگان واقعی و کانالیزه کردن خشم کارگران به سمت شماسست. می خواهند هر طور شده از خلع ید کنندگان انتقام بگیرند. بی گمان اعتراض و اعتصاب حق کارگران است و نمایندگان واقعی کارگران بار دیگر با حفظ اتحاد و همبستگی، هم پیگیر مطالبات کارگران خواهند بود و هم سناریوی کثیف زانوصفتان را عقیم می کنند. الغرض باید مراقب و هشیار باشیم و از خطاهای خود بیاموزیم. هفت تپه نمی میرد.

۳ ژوئن ۲۰۲۱

ستاد انتخاباتی رئیس قاتل ها کمپین خود را با گزافه گویی و دروغ پردازی آغاز کرده است. چنین ادعا می شود که خلع ید در راستای مبارزه با فساد و بدست ریسی انجام گرفته است؛ همان دست های آغشته به خون هزاران معترض و مدافع کارگر. ظاهراً آن همه جانفشانی های کارگران، آن همه اعتصاب های کوچک و بزرگ زیر آفتاب داغ، گرسنگی کشیدن، گرمزدگی، کرونا گرفتن، صدها پرونده قضایی، دهها اخراجی، زندانی و شکنجه و تا پای اعدام رفتن، خودسوزی و خودکشی، گلوله باران منزل مسکونی و هزار و یک مصیبت دیگر هیچ بوده است و چرخش قلم جناب ریسی پای یک برکه کاغذ همه چیز! کار را که کرد آنکه تمام کرد. تبلیغات چی های اسلامی با کمال وقاحت خلع ید را در کارنامه ریسی گنجانده اند تا خون آشام بودنش را تحت الشعاع قرار دهند و تطهیرش کنند. می خواهند در آستانه انتخابات کسی را حامی و دوستدار کارگر نشان دهند که ننگ صدور حکم شلاق بر کرده کارگر در پرونده اش دارد. خیر، عالیجناب قاتل، بدن های دفن شده در گورستان خاوران و تن های شلاق خورده کارگران شهادت می دهند شما شیباد هستید. خلع ید کار شما نبود. شما به حکم جایگاهی که در آن قرار دارید نه می توانید و نه می خواهید قدمی ولو کوچک برای احقاق حق کارگران بردارید. رسالت شما سرکوب معترضان، شکنجه کارگران و اعدام کمونیست هاست. الحق و الانصاف کارتان را تاکنون خوب انجام داده اید و همواره مورد تایید شورای نگهبان سرمایه بوده اید. یحتمل برنده انتخابات هم خواهید شد همانا چون از میان همپالکی هایتان، ردل ترینشان هستید.

اما این فقط ستاد تبلیغ دروغ و خدعه و نیرنگ نیست که ریسی را قهرمان خلع ید جا می زند. عوامل اسدببگی و با کمال تاسف برخی "ناظران آگاه چپ" نیز در این مدعا سهیم هستند. تمسخرکنندگان "خلع ید یک کلام والسلام" امروز با لیخندی ملیح اخبار هفت تپه را دنبال می کنند و دیدی گفتم شان را می گویند. پرواضح است شواهد برای اثبات صحت هر ادعای واهی را می توان با دنبال کردن اخبار و حرکت در سطح واقعیت به خلاق نشان داد و تاییدیه گرفت. بالاخره پرونده خلع ید با حکم قوه قضاییه به سرانجام رسید. از چند روز نخست جشن و پایکوبی که بگذریم، کارگران تاکنون روز خوش به چشم ندیده اند. حقوق پرداخت نشده، از تشکل مستقل کارگری اثری نیست، هفت تپه هم دارد می میرد. آری اینها همگی واقعیت دارند لیکن برای رسیدن به حقیقت کفایت نمی کنند.

جدال طبقاتی در زمین واقعی پیچیده تر از ان است که بشود با اتکا به چند اصول انتزاعی و تکرار طوطی وار چند شعار پرولتری ادعای جریان شناسی کرد و خطوط مختلف را از یکدیگر تمیز داد. هفت تپه جایی است که وزارت اطلاعات، نمایندگان تشکل مستقل کارگران را چشم بسته به سیاه چالهای مخوف می برد و همزمان عامل اطلاعات در کارخانه از ضرورت ایجاد تشکل مستقل کارگری سخن می گوید. هفت تپه جایی است که مالک کارخانه به قصد اعمال فشار به دادگاه و آزاد کردن دارایی ها، با عدم پرداخت حقوق، خودش اعتصاب راه می

خطر ارتجاع سلفی گری

در کردستان را دست کم نگیریم

همایون گدازگر

گرفتن جریان داعشی - سلفی که بتدریج به مزاحمت‌هایشان افزوده می شود اشتباه بزرگی خواهد بود و این ادعا که آنها "در صد کمی از جامعه را شامل می شوند و وزن و نیرویی نیستند" ادعایی گمراه کننده است.

اگر چه عده ای ممکن است از سر بی اطلاعی و کم تجربگی این تهدید را دست کم بگیرند، اما نباید فراموش کرد

که احزاب و شخصیت های ناسیونالیست وجود اینها را برای سیاست و دورنمای آتی خود نه تنها تهدید به حساب نمی آورند، بلکه با استفاده از افکار عقب افتاده مذهبی در بخشی از جامعه اتفاقا از اینها برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کنند. بی دلیل نیست که در جریان تقابل یکماه گذشته مردم در مقابل سلفیها در شهر های مریوان، سقر و سنندج، احزاب ناسیونالیست کرد، هیچ عکس العملی از خود نشان ندادند. نمونه دیگر را در کردستان عراق می توان مشاهده کرد که عموزاده های همین سلفی ها آنجا در حکومت و شریک با احزاب ناسیونالیست در قدرت با بودجه دولت و پول مردم مشغول ساختن مسجد و برپا کردن مراکز آموزش ارتجاع و قوانین ضد زنان هستند.

علاوه بر نکات فوق روشن است رژیم جمهوری اسلامی در کردستان بخصوص در شرایط تنفر سراسری از آن، بیشتر از هر زمان دیگر از فوران خشم فرو خفته مردم در کردستان در هراس است. برای مقابله با هر جنب و جوش اجتماعی باندهای جنایتکاری از قبیل سلفی می توانند کمک کننده و یاری رسان رژیم در مقابل اعتراضات اجتماعی در کردستان باشد.

در یکماه گذشته مردم و جوانان در مقابل ایجاد رعب و وحشت سلفیها ایستادند و تا اندازه ای آنان را گوشمالی دادند. بخصوص در شهر مریوان و در محله دارسیران شکست سلفی های شمشیر بدست حاصل اتحاد و همبستگی زنان و مردان این محله بود. این همان راهی است که باید همه جا در پیش گرفته شود و آن را باید در تمام محلات گسترش داد. نباید منتظر تعرض بعدی آنها ماند. لازم است از جنب و جوش، محل تجمع و شناسایی رهبران و فتوا دهندگان آنان همواره آگاه بود. باید کاری کرد که این انگل های باند سیاهی جرنبت مانور و شمشیر گردانی در شهر و روستاهای کردستان را نداشته باشند. این نیروهای سیاه و بی ربط به مردم متمدن کردستان هیچ جایگاهی در جامعه کردستان بعد از جمهوری اسلامی نباید داشته باشند.

۱۴ خرداد ۱۴۰۰

۴۲ سال حاکمیت رژیم اسلامی و تحمیل ارتجاعی ترین قوانین برگرفته از شریعت اسلام بر زندگی و تمام شئون جامعه، عقب گردی عظیم به مناسبات اجتماعی تحمیل کرده است. بر زمینه این قوانین و مناسبات ارتجاعی انواع سنن و آداب و روایت های کهنه و مردود و فراموش شده توانسته اند مجال رشد و خودنمایی پیدا کنند. ازدیاد مساجد و تکایا و جان گرفتن دوباره در ارایش و سوفیگری و دهها روایت و باند و دسته از این قبیل تنها در زیر سایه حکومت اسلامی و قوانین مذهبی آن می توانستند دوباره از گور بیرون آورده شوند. به صدها و شاید هزاران نمونه از کارکرد و دوباره فعال شدن این ویروسهای ضد جامعه میتوان اشاره کرد، که مستقیما در تخریب مناسبات اجتماعی و مدنیت جامعه علیه مردم و بخصوص زحمتکشان، زنان، کودکان و علیه آزادی عقیده و بیان و پیشرفت و نوآوری های بشر امروز، هر روزه از مردم قربانی می گیرند و مشغول تخریب مناسبات سالم اجتماعی هستند.

سلفیگری و جریان مرتجع سلفی در کردستان که در سال های اخیر و به یمن حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان پا بمیدان گذاشته است، یکی از همین جریانات کهنه پرست است که می تواند به خطری جدی برای جامعه کردستان تبدیل شود. اینها همان اندازه ای که آفتابی شده اند علنا اعلام کرده اند که علیه کفار و منکرین خدا و پیغمبر او، جهاد می کنند و سر می برند. در سال های اخیر تحرکات این باند مرتجع تنها در حد تبلیغ و تهدید نموده است بلکه هر جا که فرصتی برایشان فراهم شده است به شمشیر گردانی و مانور دسته جمعی و ایجاد رعب و وحشت پرداخته اند.

ماه مه امسال چند شهر کردستان محل نمایش و تهدید ترس آور سلفی ها بود. در روز روشن قصد سر بریدن جوانان و تهدید به کشتن کردند و در دسته های چندین نفره و بسیج نیرو در شهرها مانور دادند و شمشیر و قمه چرخان به مردم و مخالفین دینشان چنگ و دندان نشان دادند. در مورد سابقه و تاریخ شکل گیری این جریان ضد مردم بسادگی می توان تحقیق کرد و از سیر سر درآوردنشان در جامعه کردستان آگاه شد. اما هر سابقه و پیشینه ای که داشته باشند وجودشان برای جامعه کردستان می تواند خطرناک و در روند مبارزاتی مردم برای مقابله با جمهوری اسلامی می تواند به یک مزاحم جدی تبدیل شوند.

اگرچه آزادیخواهی و عدالت طلبی و میل چپ و کمونیسم در کردستان قوی و دارای سابقه ای نسبتا طولانی است، اما تجربه تاریخی مقطع سال ۵۷ و کارکرد جریانات اسلامی در کردستان در آن نشان دادند که این جریانات مرتجع مذهبی هرچند کوچک و منزوی باشند اما ظرفیت قساوت و تخریبشان در مقابل جامعه زیاد است. به همین جهت دستکم

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

به کمپین "نه به سلفیت و اسلام سیاسی، زنده باد آزادی و امنیت مردم کردستان" بپیوندید

یک جبهه رادیکال و ترقی‌خواهی را در جامعه علیه ارتجاع و جهالت سلفی و اسلام سیاسی شکل دهد و حمایت مردم را از همه اقصای آزادیخواه خارج از باورهای فردی به دنبال داشته باشد.

از نیروها و احزاب و فعالین چپ و آزادیخواه، از نهادها و شخصیت‌های مترقی و متمدن در داخل و خارج می‌خواهیم با هر ابتکاری که می‌توانند، سهم شایسته خود را در این مبارزه حیاتی ایفا کنند. ما همه علاقمندان را به پیوستن به کمپین "نه به سلفیت و اسلام سیاسی، زنده باد آزادی و امنیت مردم کردستان" فرامی‌خوانیم.

در ادامه فعالیت اقدامات و تلاشهای خود را در این زمینه در صفحات اینترنتی با همین نام "نه به سلفیت و اسلام سیاسی، زنده باد آزادی و امنیت مردم کردستان" را به اطلاع عموم می‌رسانیم.

حمایت و همکاری شما با این کمپین ما را در رسیدن به هدفمان نزدیکتر خواهد کرد.

ایمیل آدرس تماس :

secular.campaign@gmail.com

اعضای هیئت موسس :

چیمین جوانرودی - صبری بهمنی - نسرین رمضانعلی - نسرین محمودی - هلاله طاهری - ناریس زارعی - آزاد عبدالی - ابراهیم رستمی - پرویز رحیم‌زاده - جوامیر مارابی - حسین حسینی - رضا دانش - زرگار بهاری - صالح سرداری - صباح نیکخواه - شوان طاهری و کاوه کریمی.

در پایان جلسه اول رفقا هلاله طاهری و ابراهیم رستمی بعنوان سخنگویان کمپین بمدت یکماه انتخاب شدند.

03/06/2021

جریانات سلفی و جهادی منفور با حمایت رسمی و غیر رسمی رژیم جمهوری اسلامی و حمایت مادی و معنوی دولتها و جریانات ارتجاعی منطقه ضمن اشاعه جهل و خرافه با اقدامات تهدیدآمیز و ارعاب به خطری بالقوه علیه امنیت شهروندان جامعه تبدیل شده‌اند و آنرا باید جدی گرفت.

در مقابل دخالت سلفی‌های داعشی در زندگی خصوصی مردم در محله داسیران شهر مریوان زنان و مردان مبارز و بویژه جوانان این شهر با آنها مقابله کردند و به آنها درس عبرت دادند. بعد از آن واقعه در شهرهای سفز و سندرچ و اخیرا گویا در منطقه کرمانشاه در یک جنگ عشیرتی علیه یزیدی‌ها بسیج سلفی داده‌اند. خارج از صحت و سقم خبر اخیر ما شاهد تحركات سلفی‌ها در مواردی به ضروب و شتم افراد جوان منجر شده، بوده‌ایم و اخبار آن پخش گردیده است. در این مکانها نیز مردم عکس‌العمل خوب نشان داده‌اند اما کافی نیست.

این جریانات واپس‌گرا می‌خواهند با این اقدامات جیونانه در صدد اشاعه تهدید و ترس در شهروندان جامعه برآیند که در یک برآمد توده‌ای با حمایت ارتجاع منطقه جایگاهی برای خود دست و پا کنند. اما جامعه کردستان ایران با توجه به شناختی که از ماهیت این گروه‌ها دارند در مقابلشان خواهند ایستاد و صف آزادیخواهی و دفاع از دستاوردهای تاکنونی خود را تشکیل خواهند داد.

مردم کردستان در طول بیش از ۴۰ سال حاکمیت رژیم اسلامی ایران تجربه تلخ داعش شیعه و همچنین طالبانها و داعش سنی در سوریه و عراق و افغانستان را شاهد بودند و خوب می‌شناسند. اینها جریاناتی فاقد اعتبار اجتماعی و دارودسته‌های سیاه و تروریستی هستند، که می‌خواهند با تکیه به قمه و شمشیر و اسلحه و گانگستریسم و تروریسم اسلامی، آزادی و امنیت مردم را برهم زنند.

لازم است به مانند مقطع انقلاب سال ۱۳۵۷ که سد محکم اجتماعی و مبارزاتی در مقابل مکتب قرآن مفتی زاده‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی شکل گرفت، اکنون نیز متحدانه این گروه‌ها را رسوا و ناکام گذاشت.

براین اساس و در این راستا ما جمعی از فعالین چپ، آزادیخواه، برابر طلب و سکولار و مدنیت خواه از نسل قدیم و جدید در کردستان کمپین هدفمندی را برای مقابله با سلفی‌های داعشی در کردستان برای منزوی و خنثی کردن اقدامات تهدیدی و تخریبی آنها اعلام می‌کنیم. کمپین و تلاش مبارزاتی ما این اهداف را تعقیب می‌کند:

۱- افشاگری در مورد اهداف و ماهیت و کارکرد ضد انسانی شاخه‌ها و جریانات مختلف سلفی‌های جهادی تا مردم ماهیت ضد انسانی آنها را بهتر بشناسند. این امر با حمایت و پشتیبانی فعالین در محل که فعالیت‌های آنها را منعکس کنند مثمر ثمر خواهد شد.

۲- تلاش برای خود سازمانیابی مردم مبارز و به ویژه نسل جوان به گسترش مبارزه قاطع علیه سلفی‌های جهادی در کردستان. مبارزه ای که





منتشر شد

عزیزه اعظمی قهرمان من

پروین کابلے

عزیزه اعظمی، قهرمان من، فقط سرگذشت عزیزه نیست. سرگذشت هزاران انسان دیگر است که گونه دیگری اندیشیدند و راه دیگر را برای زیستن برگزیدند و در این راه سرنوشتشان به گونه ای دیگر رقم خورد. این کتاب را بخوانید و خواندن این نوشته را به دوستانتان توصیه کنید و آن را در دسترس دیگران قرار دهید.

از لینک زیر دریافت کنید

http://www.azadi-b.com/.../Ghahraman_man_Azize_azami.pdf...


**جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم،
بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلاهی تبدیل میشود!**

منصور حکمت

۱۸ ژوئن - ۲۸ خرداد

علیه بساط انتخابات رژیم متحدانه بمیدان بیائیم!

کند.

تشکیلات خارج کشور حزب- حکمتیست ایرانیان آزادیخواه را فرامیخواند که جلوی سفارتخانه ها، کنسولگری ها و محل صندوقهای مضحکه "انتخابات" ریاست جمهوری را به محل تجمعهای اعتراضی گسترده و ملیتانت علیه کل حکومت اسلامی بدل کنیم. سیاست ما برهم زدن این مسخره بازی اسلامی است. هر کجای جهان هستید در مقابل حوزه‌های اخذ رای تجمع کنید و بساط این جنایتکاران را بر سرشان بکوبید. دوستانتان را خبر کنید، آماده بیائید، روز نبرد سراسری در داخل و خارج علیه حکومت ترور و توحش است. وعده ما روز جمعه ۱۸ ژوئن مصادف با ۲۸ خرداد در مقابل سفارتخانه ها و مراکز "انتخاباتی" جمهوری اسلامی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
اول ژوئن ۲۰۲۱

آدمکشان، تروریست ها، ضد زن ها، دشمنان کارگران، مسببین فقر و فساد و فحشا، قاچاقچیان موارد مخدر حق ندارند در خارج کشور بساط معرکه گیری انتخابات راه بیاندازند. این سفارتخانه ها و مراکز جاسوسی باید بسته شوند، این تروریست های دیپلمات باید دستگیر و محاکمه شوند، اینها در موضع برگزاری انتخابات نیستند. این حکومت تنها در آبانماه بیش از هشت هزار نفر از جوانان و کارگران را کشته و زخمی و زندانی کرده است. هر کسی در خارج کشور آزادانه به این حکومت "رای" میدهد، آگاهانه کنار رژیم اسلامی ایستاده و با اعتراض قاطع ما مخالفین جمهوری اسلامی روبرو می شود. جمهوری اسلامی فی الحال در بساط رای گیری جلاخان شکست خورده است، حتی خود به این شکست اذعان دارند. مسئله ما و اردوی آزادیخواهی اینست که آگاهانه این شکست حکومت را همه جانبه تر و کمر شکن تر کنیم.

مردم آزادیخواه، ایرانیان خارج کشور!

صریح و قاطع هر جا و همه جا بگوئیم شرکت در این نمایش با هر توجیهی نادرست، ضد منافع مردم و مبارزه برای آزادی و برابری و در خدمت بقای حکومت اسلامی است. تائید گلوله هائی است که بر سر و تن عزیزان ما در دیمه و آبانماه شلیک شد، تائید شکنجه و اعدام و سرکوب است، تائید فقر و فلاکت و استبداد و آپارتاید است. کسی که می‌رود "رای" میدهد، تداوم حکومت قاتلین فرزندان مردم را تائید می

۱۹۵۱-۲۰۰۲

گره‌میداشت منصور حکمت

رهبر جنبش کمونیسم کارگری



اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. جنبشی است برای خلاص کردن انسانها از اجبار اقتصادی و از اسارت در قالبهای از پیش تعیین شده تولیدی. جنبشی است برای از بین بردن طبقات و طبقه بندی انسانها. این شرط حیاتی شکوفایی فردی است.

۴ ژوئن ۲۰۲۱ - ۱۴ خرداد ۱۴۰۰

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

The basis of **Socialism** is the human being.

زنده باد سوسیالیسم!